Archive of SID

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
سال دوازدهم / شماره ۴۸ / زمستان ۱۳۹۹
صفحه ۷۱ تا ۹۳

تأثیر خودشیفتگی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی

رضا طاهری عابد[۱]
مهدی علی نژاد ساروکلائی[۲]
خسرو فغانی ماکرانی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

چکیده

خودشیفتگی یک ویژگی شخصیتی است که فرد در آن تمایل دارد مورد تحسین واقع شده و در مورد خود اغراق و بزرگنمایی نماید. مدیران خودشیفته بیشتر قادر خواهند بود تا از قدرت و عدم تقارن اطلاعات به‌منظور مداخله در گزارشگری مالی نادرست استفاده کنند. در این تحقیق به بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی پرداخته شده است. با توجه به محدودیت‌های تحقیق، ۱۱۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. برای اندازه‌گیری متغیر خودشیفتگی از اندازه امضاء مدیران عامل و جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی از معیار چندبُعدی که دامنه وسیعی از مفاهیم مرتبط با شفافیت را پوشش می‌دهد، استفاده گردیده است. مفهوم شفافیت بیان‌شده، مشتمل بر هر دو مجرای انتشار اطلاعات عمومی و خصوصی شرکت بوده و هر دو بُعد مقدار و کیفیت اطلاعات را در نظر می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که خودشیفتگی مدیران عامل اثر منفی بر شفافیت گزارشگری مالی دارد، اما این تأثیر معنادار نشده است. همچنین بین دیگر ویژگی رفتاری مدیران یعنی متغیر اطمینان بیش از حد و شفافیت گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری مشاهده گردیده است.

واژه‌های کلیدی: خودشیفتگی مدیران عامل، اندازه امضاء، شفافیت گزارشگری مالی،مالی رفتاری.

۱- گروه حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
۲- گروه حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. نویسنده مسئول. mehdi12may@yahoo.com
۳- گروه حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

www.SID.ir

Archive of SID

۱- مقدمه

بورس اوراق بهادار به‌عنوان مکانی برای شکل‌دهی جریان تأمین مالی و سرمایه‌گذاری نقش عمده‌ای را در افزایش تولید کشور دارا بوده و از این طریق در راستای پیشرفت کشور از اهمیتی حیاتی برخوردار می‌باشد؛ اما مسئله مهم در این زمینه شکل‌دهی درست این جریان توسط نیروهای موجود در بازار است، که این خود منوط به آن می‌باشد که پروژه‌هایی با حداکثر بازده توسط سرمایه‌گذاران شناسایی گردد. تصمیم‌گیری برای شناسایی چنین پروژه‌هایی همواره مستلزم استفاده از اطلاعاتی قابل اتکا و مربوط به‌منظور استفاده در مدل‌های تصمیم‌گیری می‌باشد. برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل بازار سرمایه، این اطلاعات تنها زمانی مؤثر هستند که دارای کیفیت باشند. زمانی که بازارهای سرمایه در ابتدای سال ۲۰۰۰ به اوج خود رسیدند، ورشکستگی و رسوایی پاره‌ای از شرکت‌ها به‌تدریج اعتماد سرمایه‌گذاران را نسبت به مسئولیت گزارش‌دهی اطلاعات ضعیف کرد و موضوع اعتماد عمومی به کیفیت اطلاعات گزارش شده مطرح شد. لذا این مسئله سبب شد که شفافیت اطلاعات در فرآیند گزارشگری مالی مورد توجه عمیق مجامع حرفه‌ای قرار گیرد (صمدی لرگانی و آراد، ۱۳۹۱، ۱۱۱). یکی از مواردی که تأثیرگذار بر شفافیت گزارشگری مالی در شرکت‌ها می‌باشد، ویژگی‌های شخصیتی مدیران از جمله خودشیفتگی است که رفتار و نوع تصمیمات آن‌ها را در سازمان تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. خودشیفتگی ترکیب مهمی از صفات و فرآیندهای شخصیت است که با ویژگی‌هایی از قبیل بزرگ‌بینی در عین شکنندگی خود، اشتغال ذهنی در مورد موفقیت، احساس محق بودن، انتظار مورد تحسین واقع‌شدن (آمز و همکاران[1]، ۲۰۰۶، ۴۴۰)، تخیلات مربوط به قدرت زیاد، زیبایی و موفقیت، حساسیت زیاد به انتقاد و تمایل به بهره‌کشی از دیگران در روابط بین فردی (روساریو و وایت[2]، ۲۰۰۵، ۱۰۷۶) مشخص می‌شود. با توجه به ویژگی‌های شخصیتی مدیران خودشیفته، انتظار می‌رود این مدیران به اقداماتی سوق پیدا کنند که از عرف سرباز زده و در پی توجّه و ستایش دیگران باشند؛ این اقدامات، احتمال فعالیت‌های غیراخلاقی مانند دستکاری در صورت‌های مالی را افزایش داده که در نهایت کاهش شفافیت گزارشگری مالی را موجب خواهد شد. بر این اساس، هدف از اجرای این پژوهش، بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌باشد. از آنجا که تاکنون پژوهشی در زمینه ارتباط بین خودشیفتگی مدیران عامل با متغیر شفافیت گزارشگری مالی در سطح داخلی و بین‌المللی انجام نشده است و همچنین سنجش مفهوم خودشیفتگی با استفاده از اندازه امضاء در هیچ پژوهش داخلی مورد بررسی قرار نگرفته است، لذا بررسی این موضوعات حائز اهمیت بوده و نتایج این پژوهش می‌تواند برای پژوهشگران و استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی مفید واقع گردد.

www.SID.ir

Archive of SID

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

شفافیت، هسته مرکزی گزارشگری مالی مدرن است که به استفاده‌کنندگان در شناخت واحد - تجاری کمک می‌کند. تحقیقات پیشین (مانند لنگ و میفیت[۳]، ۲۰۱۱، ۱۲۳) نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین عواملی که موجب جذابیت شرکت از دیدگاه سرمایه‌گذاران می‌شود، شفافیت است. بر مبنای این تحقیقات، شفافیت در گزارشگری مالی سبب افزایش آگاهی و اطمینان سرمایه‌گذاران شده و انتظار می‌رود که کاهش هزینه سرمایه شرکت را به دنبال داشته باشد. در طرف مقابل، عدم شفافیت می‌تواند موجب بدبینی و کژ اخلاقی شده و در نهایت به ارزش‌گذاری ضعیف شرکت و عدم اطمینان بینجامد (عرب مازار و همکاران،۱۳۹۰، ۲۳). گرچه شفافیت به‌عنوان ویژگی مطلوب گزارش‌های مالی عنوان گردیده است، اما تعریف جامعی که مورد پذیرش عموم باشد، از آن ارائه نشده است. بوشمن و همکاران[۴] (۲۰۰۴، ۲۱۸) شفافیت گزارشگری مالی[۵] را به‌عنوان: "دسترسی گسترده به اطلاعات مربوط و قابل استناد در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه-گذاری، راهبری، ارزش و ریسک شرکت‌هایی که مورد مبادله عموم قرار می‌گیرند" تعریف کرده‌اند. از دیدگاه بارث و اسچیپر[۶] (۲۰۰۸، ۱۷۳) شفافیت گزارشگری مالی به این معنا است که "گزارش-های مالی واحد تجاری، واقعیت‌های اقتصادی واحد تجاری را به شیوه‌ای که برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قابل درک باشند، ارائه کنند". شفافیت شرکت، اصطلاحی است که توسط افراد مختلف به گونه متفاوتی تفسیر می‌گردد. عده‌ای از آن به‌عنوان مفهوم واحدی مانند اقلام افشاء شده در گزارش فعالیت سالیانه تعبیر می‌کنند (سنگوپتا[۷]، ۱۹۹۸، ۴۶۲). عده‌ای معتقدند، شفافیت به معنای انتشار اطلاعات از کانالی به غیر از صورت‌های مالی و یا گزارش فعالیت سالیانه مانند کانال مطبوعات است (گرنون و میک[۸]، ۱۹۹۷، ۸۱)، اما برخی نیز بر دیدگاه جامع مبتنی بر محیط اطلاعاتی شرکت تأکید می‌کنند (بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴، ۲۰۷). حجم وسیعی از تحقیقات که به‌دنبال معیاری برای اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی بوده‌اند، این واقعیت را دریافتند که شفافیت ویژگی چند بُعدی محیط اطلاعاتی شرکت است که به‌صورت مستقیم قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد و بنابراین در جستجوی شاخص‌هایی بودند تا با سازه‌های تئوریک مرتبط باشند. جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی ممکن است از معیارهای تک بُعدی و یا چند بُعدی استفاده شود، اما از آنجایی که معیارهای تک بُعدی، سازه‌هایی هستند که شفافیت را با خطا اندازه‌گیری می‌کنند (دبوکسی وگیلت[۹]، ۲۰۱۳، ۱۰۱)، بسیاری از تحقیقات مانند پژوهش‌های لئوز و همکاران[۱۰] (۲۰۰۳، (۲۰۰۳، ۵۰۷) و بوشمن و همکاران (۲۰۰۴، ۲۰۷) معیارهای جامعی از شفافیت طراحی کرده‌اند که ابعاد مختلف شفافیت گزارشگری مالی را می‌سنجند. با توجه به این موضوع که تمامی معیارهای

www.SID.ir

Archive of SID

تک بُعدی، شاخص‌های غیرمستقیم و به احتمال زیاد مستقل شفافیت گزارشگری مالی می‌باشند، معیارهای چند بُعدی موجب افزایش توان تشریحی آزمون‌ها می‌گردند. جهت ارزیابی وسیع ابعاد مختلف شفافیت شرکت در محیط اطلاعاتی شرکت، تعریف بوشمن و همکاران (۲۰۰۴، ۲۰۷) از شفافیت که توسط یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳، ۱۷) مطابق با شرایط محیطی ایران بومی‌سازی شده، در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد که دامنه وسیعی از مفاهیم مرتبط با شفافیت را پوشش می‌دهد. در ادامه، به خودشیفتگی مدیران عامل به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی که بر کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیرگذار است، پرداخته می‌شود.

خودشیفتگی[11] تاریخچه گسترده‌ای هم در حوزه روان‌شناسی شخصیت و هم در حوزه روان-شناسی بالینی دارد (کمپبل و فاستر[12]، ۲۰۰۷، ۱۱۶). خودشیفتگی اولین بار به‌عنوان یک سازه بالینی، با نام نوعی اختلال از نوشته‌های فروید[13] برخاسته؛ و به اختصار اشاره به حالتی ذهنی و روانی دارد که یک انسان به دلیل توجه و علاقه زیاد به خود از محیط بیرونی و شرایط سایر افراد غافل می‌شود (بران[14]، ۱۹۹۷، ۶۴۳). واژه خودشیفتگی را در روان‌شناسی فردی، گاه به‌جای اصطلاحاتی مانند تحقیرکننده، پوچی و خودپسندی استفاده می‌کنند و گاهی نیز در جامعه‌شناسی آن را به‌جای نخبه‌گرایی و یا بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت دیگران می‌نامند. خودشیفتگی معمولاً دربرگیرنده باورها و حالاتی مانند کم‌ارزش دیدن سایرین در مقایسه با خود، توقع زیاد از دیگران، توجیه اشتباهات خود و به گردن دیگران انداختن آن‌ها و (بران، ۱۹۹۷، ۶۴۵)، اغراق و میل به مورد تحسین واقع‌شدن (ریجسنبیلت و کمندر[15]، ۲۰۱۳، ۴۱۴)، حس محق بودن، حسادت ورزیدن به دیگران (شفیعی و صفاری‌نیا، ۱۳۹۰، ۱۲۲)، تصور دارا بودن قدرت و موفقیت نامحدود، استفاده از دیگران در جهت پیشرفت و ارتقای خود از ویژگی‌های چنین افرادی شمرده می‌شود (مک هاسکی[16]، ۱۹۹۵، ۷۵۵). خودشیفتگان در مجموعه‌ای از ابعاد همچون هوش، خلاقیت، شایستگی و قدرت رهبری، امتیاز بالایی به خود می‌دهند (چن[17]، ۲۰۱۰، ۳۷). گروه تحقیقات بالینی مایو به این نتیجه رسیدند افراد دچار اختلال شخصیت خودشیفته، پشت ماسک اعتماد به نفس بیش از حدّشان، یک عزت نفس شکننده و آسیب‌پذیر نسبت به ملایم‌ترین انتقادات دارند. با توجه به اینکه خودشیفتگی یک متغیّر شخصیتی مرتبط با میل به موفقیت نامحدود و قدرت می‌باشد جای تعجب نیست که بسیاری از افراد خودشیفته به دنبال موقعیت‌های مدیریتی برای ارضای نیاز خود به قدرت و شهرت می‌باشند. مدیرانی با خودشیفتگی بالا ممکن است اقداماتی که از دید مردم غیرممکن به نظر رسد یا احتمال موفقیت آن‌ها نرود به‌صورت خوش‌بینانه در نظر گرفته و به‌منظور جلب توجه دیگران این اقدامات جسورانه را انجام دهند (چن، ۲۰۱۰، ۴۸). از آنجا که افراد خودشیفته به دنبال جلب توجّه و ستایش دیگران می‌باشند، این خصوصیت شخصیتی مدیران

www.SID.ir

Archive of SID

خودشیفته را در جهت انجام اقداماتی سوق می‌دهد که از عرف سرباز زده و این اقدامات نهایتاً عملکرد سازمان را تحت تأثیر قرار خواهد داد (چترجی و همبریک[۱۸]، ۲۰۰۷، ۳۵۱). مدیران خودشیفته به‌منظور حفظ موقعیت رهبری، مهارت‌های خود را در فریب و تقلب و تهدید به‌کار می‌گیرند (روزنتال و پیتینسکی[۱۹]، ۲۰۰۶، ۶۱۹). در بیشتر مواقع مدیران خودشیفته در پی دستیابی به دستاوردهای بزرگ در شرکت هستند. به همین دلیل آنان به سمت‌وسوی اجرای اقدامات جسورانه‌ی راهبردی-عملیاتی و انجام کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز سوق پیدا می‌کنند (اولسن و استکلبرگ[۲۰]، ۲۰۱۶، ۳) و ممکن است برای رسیدن به این هدف و نشان دادن بهترین عملکرد از جانب خودشان به دیگران و نهایتاً برای اینکه مورد تحسین واقع‌شده و به رسمیت شناخته شوند و از این طریق عزت و بزرگی را برای خود فراهم کنند؛ به انجام فعالیت‌های متقلبانه روی بیاورند (ریجسنبیلت و کمندر، ۲۰۱۳، ۴۲۷). مدیران خودشیفته همچنین، خود را به تعبیر نیچه به‌عنوان «مردان برتر» می‌دانند که قوانین معمول برای آن‌ها صدق نمی‌کند (نوربرگ[۲۱]، ۲۰۰۹، ۲۱۴). این اعتقاد می‌تواند احتمال انجام فعالیت‌های غیراخلاقی را بیشتر کرده و توجیهی برای فعالیت‌های آنان باشد (زیگلیدوپولوس و همکاران[۲۲]، ۲۰۰۹، ۷۱). این مدیران ضعف‌ها و نواقص خود را به‌صورت حُسن می‌بینند و می‌خواهند به کمک منطق‌سازی و تحریف، خود را با شخصیت قوی و بی‌نقص نشان دهند. با توجه به مبانی نظری گفته‌شده در ارتباط با ویژگی‌های شخصیتی مدیران خودشیفته انتظار می‌رود، آن‌ها بیشتر قادر باشند تا از قدرت و عدم تقارن اطلاعات به‌منظور مداخله در گزارشگری مالی نادرست استفاده کنند و خود را فردی موفّق جلوه داده و مورد تحسین دیگران واقع شوند و این موضوع باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی می‌گردد (مارکز و همکاران[۲۳] ۲۰۱۸، ۱؛ هام و همکاران[۲۴]، ۲۰۱۷، ۱۰۹۰).

۲-۲- پیشینه پژوهش

کیم و همکاران[۲۵] (۲۰۱۸، ۲۰۳)، در پژوهشی نقش تعدیل‌کننده خودشیفتگی مدیرعامل را بر ارتباط بین اجتناب از عدم اطمینان و مسئولیت اجتماعی شرکت مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها برای اندازه‌گیری خودشیفتگی مدیران از چهار شاخص یعنی، الف) برجستگی عکس مدیرعامل در گزارش‌های سالانه، ب) شهرت مدیرعامل در مجلات، ج) حقوق و مزایای نقدی مدیرعامل که تقسیم بر حقوق و مزایای دومین مدیر اجرایی رده بالای شرکت می‌شود و د) حقوق و مزایای غیرنقدی مدیرعامل که بر حقوق و مزایای دومین مدیر اجرایی رده بالای شرکت تقسیم می‌شود؛ استفاده کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد، شرکت‌هایی که در جوامع دارای اجتناب از عدم اطمینان بالا

www.SID.ir

Archive of SID

فعالیت می‌نمایند، مشارکت کمتری در مسئولیت اجتماعی داشته و خودشیفتگی مدیرعامل این رابطه را به‌طور مثبت تعدیل می‌کند.

هام و همکاران (۲۰۱۸، ۲۳۴)، در تحقیقی با استفاده از اندازه امضاءهای مدیران عامل در بایگانی بورس اوراق بهادار که برای اندازه‌گیری خودشیفتگی افراد استفاده شد، به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیرعامل و سیاست‌های سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن می‌باشد که خودشیفتگی مدیرعامل با بیش سرمایه‌گذاری (به‌خصوص در مخارج تحقیق و توسعه و تحصیل و ادغام) رابطه معناداری دارد. این ارتباط در خصوص مخارج سرمایه‌ای یافت نشد. همچنین، شرکت‌هایی که توسط مدیران عامل خودشیفته رهبری می‌شدند، بهره‌وری مالی کمتری را به شکل سودآوری و جریان‌های نقدی عملیاتی تجربه کردند.

مارکز و همکاران (۲۰۱۸، ۱)، در مطالعه خود تأثیر ویژگی‌های شخصیتی مدیرعامل بر افشای شرکتی با تجزیه‌وتحلیل لحن اعلامیه سود برای یک نمونه از ۵۰۰ مدیرعامل را مورد بررسی قرار دادند. برای اندازه‌گیری خودشیفتگی از سه شاخصِ اندازه عکس مدیرعامل، میزان حقوق نقدی و حقوق غیرنقدی مدیرعامل استفاده گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدیران عامل خودشیفته‌تر، بیشتر تمایل دارند که وجهه خود را با انتشار اخبار مثبت تقویت کنند، امّا این تمایل با افزایش سن مدیرعامل کاهش می‌یابد. همچنین نتایج حاکی از این می‌باشد که واکنش بازار سهام به لحن اعلان سود برای مدیران عامل خودشیفته‌تر، بیشتر اعلام شده است که نشان می‌دهد که بازار ویژگی‌های رفتاری مدیران عامل خودشیفته را در نظر می‌گیرد.

هام و همکاران (۲۰۱۷، ۱۰۹۰)، در تحقیقی با عنوان خودشیفتگی مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی که خودشیفتگی با اندازه امضاء آن‌ها سنجیده شده است، به این نتیجه رسیدند که خودشیفتگی مدیر مالی با مدیریت سود بیشتر، شناخت زیان کمتر از واقع، کنترل داخلی ضعیف‌تر و احتمال بالای ارائه مجدد گزارشات مالی مرتبط می‌باشد. علاوه بر این، یافته‌ها حاکی از این است که بین اندازه امضاء مدیران عامل و شاخص‌های کیفیت گزارشگری مالی ارتباط منفی وجود دارد ولی این رابطه معنادار نشده است.

جود و همکاران[۲۶] (۲۰۱۷، ۳۳)، شواهدی را بدست آوردند که نشان می‌دهد خودشیفتگی مدیران منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی خواهد شد و این امر به نوبه خود باعث افزایش حق‌الزحمه حسابرسان مستقل می‌گردد؛ هم‌چنین شواهد بازگوکننده این امر شد که خودشیفتگی در بین مدیران عامل احتمال استعفای حسابرسان را افزایش می‌دهد. این محققان در پژوهش خود از برجستگی عکس مدیرعامل، شهرت مدیرعامل و همچنین حقوق و مزایای نقدی و غیرنقدی مدیرعامل برای سنجش خودشیفتگی بهره بردند.

www.SID.ir

Archive of SID

اوریلی و همکاران[۲۷] (۲۰۱۷، ۱)، به بررسی این‌که چگونه خودشیفتگی مدیران عامل آسیب-پذیری سازمان را به پرونده‌های قضایی افزایش می‌دهد پرداختند. آن‌ها با استفاده از نمونه‌ای مشتمل بر ۳۲ شرکت و همچنین استفاده از پرسشنامه شخصیت خودشیفته و اندازه امضاء مدیران عامل به این نتیجه رسیدند که سازمان‌هایی که توسط مدیران عامل خودشیفته رهبری می‌شدند به احتمال زیاد درگیر دعاوی قضایی بوده و به احتمال زیاد روند بررسی پرونده‌های قضایی آن‌ها نسبت به بقیه پرونده‌ها طولانی‌تر می‌گردیده است.

کری و جیمز[۲۸] (۲۰۱۶، ۱)، در مطالعه‌ای تحت عنوان تأثیر خودشیفتگی مدیران عامل بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، با استفاده از شاخص‌های برجستگی عکس مدیرعامل، شهرت مدیرعامل و حقوق و مزایای نقدی و غیرنقدی مدیرعامل که برای اندازه‌گیری خودشیفتگی استفاده شد، یافتند که مدیران عامل دارای شخصیت خودشیفته به احتمال زیاد به اجتناب مالیاتی می‌پردازند.

اولسن و همکاران[۲۹] (۲۰۱۴، ۲۴۳)، در پژوهشی با بررسی ۱۱۱۸ مشاهده برای بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰ و استفاده از برجستگی عکس مدیرعامل در گزارش‌های سالانه به‌عنوان معیار سنجش خودشیفتگی به این نتیجه رسیدند که خودشیفتگی در بین مدیران رابطه مستقیم و معناداری با سود هر سهم و قیمت سهام به عنوان دو عامل کلیدی عملکرد مالی دارد؛ زیرا مدیران خودشیفته برای نمایش عملکرد مالی مطلوب بیشتر در پی افزایش گزارش سود هر سهم از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی و عملیاتی نسبت به دستکاری اقلام تعهدی هستند.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۷، ۱)، در تحقیق خود به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیران و خطر سقوط قیمت سهام، با استفاده از داده‌های ۵۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ پرداختند. جهت سنجش خودشیفتگی مدیران از دو شاخص هورمون تستوسترون و پاداش نقدی و جهت سنجش خطر سقوط قیمت سهام از دو شاخص نوسانات پایین به بالا و دوره سقوط قیمت سهام استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که دو شاخص هورمون تستوسترون مدیران و پاداش نقدی اختصاص یافته به مدیران تأثیر مثبتی بر نوسان پایین به بالا (به‌عنوان معیار خطر سقوط قیمت سهام) دارند. همچنین دو شاخص هورمون تستوسترون مدیران و پاداش نقدی اختصاص‌یافته به مدیران تأثیر منفی بر دوره سقوط قیمت سهام (به‌عنوان معیار خطر سقوط قیمت سهام) دارند.

نمازی و همکاران (۱۳۹۶، ۵۲)، با استفاده از دو معیار عکس مدیران و شاخص پاداش نقدی آن‌ها برای سنجش خودشیفتگی بیان کردند که خودشیفتگی با هر سه نوع استراتژی تدافعی، تحلیل‌گرایانه و تهاجمی رابطه معناداری دارد که این رابطه در مورد استراتژی‌های تدافعی و تحلیل‌گرایانه منفی و در مورد استراتژی تهاجمی مثبت و معنادار است. در نتیجه، با افزایش

www.SID.ir

Archive of SID

خودشیفتگی در بین مدیران، انتظار بر این است که تمایل آنان به انتخاب استراتژی‌های تهاجمی و جسورانه افزایش یابد.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۵، ۱۲۳)، به این نتیجه رسیدند که رابطه مستقیم و معناداری بین خودشیفتگی مدیران و شاخص‌های مرتبط با مدیریت سود و عملکرد مالی وجود دارد. به سخنی دیگر، مشاهده شد به هراندازه که مدیران از خودشیفتگی بالاتری برخوردار باشند برای نمایش عملکرد مالی مطلوب در کوتاه‌مدت به ذی‌نفعان، بیشتر به سمت‌وسوی فعالیت‌های مرتبط با مدیریت سود سوق پیدا خواهند کرد. در این پژوهش برای سنجش خودشیفتگی از برجستگی عکس مدیران و همچنین شاخص پاداش نقدی آن‌ها استفاده گردید.

شیری و همکاران (۱۳۹۴، ۱۰۷)، در مطالعه خود با بهره‌گیری از پرسشنامه برای اندازه‌گیری خودشیفتگی نشان دادند که خودشیفتگی مدیران بر رفتارهای ماکیاولی‌گری دارای اثر مستقیم و معناداری است و همچنین خودشیفتگی نیز دارای اثر مستقیم معناداری بر رفتار منافقانه می‌باشد. رفتار ماکیاولی‌گری نیز بر رفتار منافقانه دارای اثر مستقیم و معناداری است؛ پس میانجی بودن رفتار ماکیاولی‌گری در ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و رفتار منافقانه مدیران نیز تأیید می‌شود.

۳- فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری پیش‌گفته، انتظار می‌رود زمانی که خودشیفتگی مدیران عامل افزایش یابد، کاهش در شفافیت گزارشگری مالی را به همراه داشته باشد. لذا فرضیه این تحقیق به شرح زیر تدوین می‌گردد:

خودشیفتگی مدیران عامل اثر منفی و معناداری بر شفافیت گزارشگری مالی دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع نیمه تجربی در حوزه تحقیقات توصیفی-رگرسیونی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی در صورت‌های مالی شرکت‌هاست. از سویی دیگر این تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد و چون می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، لذا از نوع تحقیق کاربردی است. برای انجام این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است که با توجه به شرایط زیر همگن شده است:

۱) شرکت‌های موردنظر باید در سال ۱۳۸۹ هجری شمسی در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و نام آن‌ها در تابلوی قیمت سهام درج شده باشد؛ این شرکت‌ها باید تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس باشند.

www.SID.ir

Archive of SID

۲) سال مالی شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفندماه باشد.
۳) این شرکت‌ها نباید در طول دوره زمانی تحقیق (۱۳۹۵-۱۳۸۹) پایان سال مالی خود را تغییر داده باشند.
۴) به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ)، این شرکت‌ها در نظر گرفته نمی‌شوند.
۵) شرکت‌هایی که گزارش فعالیت هیئت‌مدیره و صورت مالی آن‌ها در قالب غیر از استاندارد A4 اسکن شده است، به علّت اینکه امضاء مدیران عامل از اندازه واقعی خود خارج می‌شود، در جامعه همگن‌شده لحاظ نمی‌گردند.

با توجه به شرایط فوق، تعداد ۱۱۰ شرکت برای آزمون فرضیه تحقیق در نظر گرفته شدند. در این پژوهش بعد از اینکه اثرات سال و صنعت کنترل گردید، از روش خطاهای استاندارد مقاوم[۳۰] (پانل مقاوم) برای بررسی داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز شرکت‌ها از طریق سایت‌های کدال[۳۱] و شرکت مدیریت فناوری بورس تهران[۳۲] گردآوری شده و سپس با جمع‌بندی و محاسبات مورد نیاز در صفحه گسترده اکسل، برای تجزیه‌وتحلیل آماده شده‌اند. تجزیه‌وتحلیل نهایی به کمک نرم‌افزار استاتا[۳۳] نسخه ۱۴ انجام گرفته است.

۵- مدل آزمون فرضیه و نحوه اندازه‌گیری متغیرها

در این تحقیق برای آزمون فرضیه همانند تحقیق هام و همکاران (۲۰۱۷) از مدل ۱ استفاده می‌گردد:

$$Trans_{i.t} = \propto_0 + \propto_1 Narciss_{i.t} + \propto_2 Tenure_{i.t} + \propto_3 Age_{i.t} + \propto_4 Size_{i.t} + \propto_5 BTM_{i.t} + \propto_6 Ins_{i.t} + \propto_7 Loss_{i.t-1} + \propto_8 AuditQual_{i.t} + \propto_9 Overcon_{i.t} + \sum_{k=10}^{16} \propto_k Year_{i.t} + \sum_{j=17}^{22} \propto_j Indus_{i.t} + \in_{i.t} \quad (1)$$

تعریف عملیاتی متغیرهای موجود در مدل ۱ به شرح زیر می‌باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

۵-۱- متغیر وابسته پژوهش

$Trans_{i,t}$: برابر است با شفافیت گزارشگری مالی که طبق جدول ۱ اندازه‌گیری می‌گردد. در این پژوهش به پیروی از بوشمن و همکاران (۲۰۰۴، ۲۰۷) برای سنجش شفافیت گزارشگری مالی از الگوی چند بُعدی که توسط یوسفی‌اصل و همکاران (۱۳۹۳، ۱۷) مطابق با شرایط محیطی ایران بومی‌سازی شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول۱- الگوی پیشنهادی سنجش شفافیت گزارشگری مالی

معیارهای گزارشگری شرکت	معیارهای کسب اطلاعات خصوصی
مالی (۲۵ شاخص)	میزان مالکیت سرمایه‌گذاران (۱ شاخص)
راهبری شرکتی (۹ شاخص)	
ریسک‌ها و فرصت‌های رشد شرکت (۱ شاخص)	
به‌موقع بودن (۱ شاخص)	میزان تأمین منابع از محل بدهی (۱ شاخص)
قابلیت اعتماد حسابرس (۱ شاخص)	
کیفیت سود (۱ شاخص)	
معیار دقت پیش‌بینی سود مدیران (۱ شاخص)	

منبع: یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳، ۱۷)

شفافیت گزاشگری مالی در این پژوهش، به چهار عامل تفکیک می‌گردد. معیارهای مالی، راهبری شرکتی و ریسک نخستین عامل شفافیت را می‌سازند؛ که از آن با عنوان اطلاعات افشاء شده به عموم یاد خواهد شد و بُعدی از شفافیت شرکت را معرفی می‌کند که بر مبنای آن، اطلاعاتی در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری، ارزش و ریسک به عموم افشاء می‌شود. این عامل بر مقدار اطلاعات افشاء شده به عموم متمرکز بوده و کیفیت افشاء را مدنظر قرار نمی‌دهد. اندازه‌گیری این ابعاد مبتنی بر پاسخ به سی و پنج سؤال است که در جدول ۲ به آن اشاره شده است. دومین عامل شفافیت که عامل کیفیت اطلاعات نامیده می‌شود؛ مشتمل بر کیفیت سود و صحت پیش‌بینی سود مدیران است و به کیفیت افشای اطلاعات مالی می‌پردازد. این عامل به‌صورت معمول، مکمّل عامل اول است. به‌منظور اندازه‌گیری کیفیت سود از قدر مطلق باقیمانده مدل تعدیل‌شده جونز طبق مدل ۲ استفاده می‌شود. ساختار مدل ۲ به شرح زیر است:

$$\frac{TAC_{i.t}}{TA_{i.t-1}} = a_0\left(\frac{1}{TA_{i.t-1}}\right) + a_1\left(\frac{\Delta REV_{i.t}-\Delta REC_{i.t}}{TA_{i.t-1}}\right) + a_2\left(\frac{PPE_{i.t}}{TA_{i.t-1}}\right) + \varepsilon_{i.t} \quad (۲)$$

www.SID.ir

Archive of SID

$TAC_{i,t}$: برابر است با سود خالص منهای جریان نقد عملیاتی. با توجه به اینکه مدل جونز تعدیل شده بر اساس استانداردهای بین‌المللی تنظیم شده است باید به بخش فعالیت‌های عملیاتی صورت جریان وجه نقد ایران، بخش بازده سرمایه‌گذاری‌ها و سود پرداختی بابت تأمین مالی به‌جز سود سهام پرداختی و بخش مالیات بر درآمد را اضافه نمود.

$TC_{i,t-1}$: مجموع دارایی‌های سال قبل.

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد شرکت نسبت به سال قبل.

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در خالص حساب‌های دریافتنی نسبت به سال قبل.

$PPE_{i,t}$: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات.

$\varepsilon_{i,t}$: باقیمانده مدل.

جهت سنجش معیار دقت پیش‌بینی سود مدیران، شاخص‌های ذیل محاسبه می‌شوند: شاخص اولیه صحت پیش‌بینی، قدر مطلق اشتباه پیش‌بینی که در عدد ۱- ضرب شده و با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل همگن شده است. اشتباه پیش‌بینی برابر است با میانگین پیش‌بینی سالیانه مدیران منهای سود واقعی. شاخص سوگیری، مقدار اشتباه پیش‌بینی که با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل همگن شده است. شاخص سود غیرمنتظره (سود هر سهم منهای سود هر سهم در سال مالی قبل) که با استفاده از قیمت سهم در پایان سال مالی قبل همگن شده است. سپس شاخصی به نام صحت پیش‌بینی سود مدیران محاسبه می‌شود که برابر است با مقدار باقی-مانده رگرسیون متغیر شاخص اولیه صحت پیش‌بینی بر روی متغیرهای شاخص سوگیری و شاخص سود غیرمنتظره. تنها متغیر مؤثر بر عامل سوم، میزان مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی است و نشانگر قدرت این دسته از سرمایه‌گذاران در دستیابی به اطلاعات موردنظر آن‌هاست که عموماً مازاد بر اطلاعاتی است که به عموم افشاء است. این متغیر اطلاعات محرمانه نامیده می‌شود و برابر است با میزان مالکیت سهام شرکت توسط شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی، شرکت‌های سرمایه-گذاری و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت-های تأمین سرمایه. متغیر به‌موقع بودن افشاء برابر است با تفاوت بین پایان سال مالی شرکت و تاریخی که شرکت‌ها برای اولین بار، سود سال مالی خود را در سایت‌های متعلق به سازمان بورس و اوراق بهادار گزارش کرده‌اند (یوسفی اصل و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۸). قابلیت اعتماد حسابرس برابر است با امتیاز کنترل کیفیت مؤسسات حسابرسی که توسط جامعه حسابداران رسمی ایران ارائه می‌شود؛ که در این پژوهش برای مؤسسات حسابرسی رتبه الف عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۲۳). میزان تأمین منابع شرکت از محل

www.SID.ir

Archive of SID

بدهی مساوی است با نسبت بدهی‌های بلندمدت بر مجموع دارایی‌ها (یوسفی اصل و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۸). این سه متغیر، عامل چهارم شفافیت را شکل می‌دهند. لازم به ذکر است برای تعیین وزن هر یک از عوامل شفافیت، ابتدا داده‌های حاصل از نظر کارشناسان و خبرگان را جمع‌آوری کرده و سپس از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی[۳۴] برای تجزیه‌وتحلیل و وزن‌دهی آن‌ها استفاده گردیده است.

جدول ۲- مقدار اطلاعات افشاء شده به عموم

ردیف	معیارها	ردیف	معیارها
۱	چشم‌انداز و مأموریت شرکت	۱۹	ساختار مالکیت شرکت‌های وابسته
۲	استراتژی‌های شرکت	۲۰	افشای معاملات با اشخاص وابسته
۳	توصیف نوع کسب‌وکار شرکت	۲۱	افشای نام موسسه حسابرسی
۴	روند تغییر صنعت	۲۲	افشای گزارش حسابرس اطلاعات
۵	بخش‌های تجاری به تفکیک خطوط	۲۳	افشای حق‌الزحمه حسابرسان
۶	گزارش سهم بازار شرکت	۲۴	حق‌الزحمه خدمات غیرحسابرسی
۷	مقدار فیزیکی محصولات	۲۵	افشای اطلاعات عمومی شرکت
۸	مشخصات دارایی‌های شرکت	۲۶	توضیحات انواع سهام و سهامداران
۹	افشای شاخص‌های کارایی	۲۷	اطلاعات در مورد سهامداران عمده
۱۰	طرح‌های سرمایه‌گذاری سال آتی	۲۸	ترکیب و ساختار هیئت‌مدیره
۱۱	نقش کلیدی ذی‌نفعان	۲۹	تعداد جلسات هیئت‌مدیره
۱۲	انتشار گزارش‌های میان‌دوره‌ای	۳۰	مسائلی در صلاحیت هیئت‌مدیره
۱۳	رویه‌ها و استانداردهای حسابداری	۳۱	پیگیری تصمیمات هیئت‌مدیره
۱۴	آگاهی از رویه‌ی ارزیابی دارایی‌ها	۳۲	فهرست کمیته و اعضای هیئت‌مدیره
۱۵	گزارش استهلاک دارایی‌های ثابت	۳۳	جبران خدمات اعضای هیئت‌مدیره
۱۶	تهیه صورت‌های مالی تلفیقی	۳۴	جبران خدمات مدیران و کارمندان
۱۷	ارزیابی کیفیت گزارش هیئت‌مدیره	۳۵	انواع ریسک مرتبط با شرکت
۱۸	بندهای شرط مرتبط با عدم اطمینان	-	-

منبع: یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳، ۲۱)

۵-۲- متغیر مستقل پژوهش

$Narciss_{i,t}$: برابر است با خودشیفتگی مدیران عامل. از آنجا که تخمین یا اندازه‌گیری ویژگی شخصیتی مدیران به‌صورت مستقیم بسیار مشکل است، مطالعات تجربی در جستجوی سنجه‌ای معتبر و ساده برای دستیابی به این مهم می‌باشند. ارتباط بین خودشیفتگی و اندازه امضاء تاریخچه

www.SID.ir

Archive of SID

طولانی در روان‌شناسی دارد (زوئیگنهافومارلو[۳۵]، ۱۹۷۳، ۴۶۹؛ جرگنسن[۳۶]، ۱۹۷۷، ۲۶۹؛ زوئینگنهاف[۳۷]،۱۹۷۷، ۱۷۷). متخصصان نشانه‌شناس و گروهی از روان‌شناسان، معتقدند شیوه امضاء کردن افراد می‌تواند برخی از خصوصیاتشان را آشکار کند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که امضاءهای بزرگ‌تر با خصوصیت‌های خودشیفتگی شخصیتی مانند چیرگی‌خواهی بر دیگران، تکبّر، خویشتن‌باوری، احساس محقّ‌بودن، انتظار مورد تحسین واقع‌شدن و تخیلات مربوط به قدرت زیاد در ارتباط می‌باشد (زوئینگنهاف،۱۹۷۷، ۱۷۷)؛ این موضوع نشان می‌دهد که افراد خودشیفته دارای اندازه امضاءبزرگ‌تری هستند. هام و همکاران (۲۰۱۷، ۱۰۹۳) در خصوص اندازه‌گیری درجه خودشیفتگی مدیران، نتایج مشابهی را از طریق روش پرسشنامه شخصیت خودشیفته ۴۰ سوألی (NPI-40[۳۸])، در مقایسه با روش اندازه‌گیری اندازه امضاء مدیران مشاهده کردند؛ به این‌صورت که مدیران دارای امتیاز خودشیفتگی بیشتر با استفاده از پرسشنامه شخصیت خودشیفته، اندازه امضاء بزرگتری داشتند. با توجه به مطالب گفته شده، در این تحقیق همانند هام و همکاران (۲۰۱۸)، اوریلی و همکاران (۲۰۱۷) و هام و همکاران (۲۰۱۷) از اندازه امضاء به‌عنوان سنجه اندازه‌گیری خودشیفتگی استفاده گردیده است. برای اندازه‌گیری خودشیفتگی مطابق با پژوهش‌های انجام شده (مانند: هام و همکاران،۲۰۱۷، ۱۱۰۳)، مربع یا مستطیلی در اطراف امضا طراحی کرده که هر طرف به نقطه‌ی پایانی امضا می‌رسد. بعد از انجام اینکار، مساحت ناحیه‌ی مربعی یا مستطیلی اندازه‌گیری گردیده و در نهایت بر اساس قاعده پاره‌تو، به دو دهک بالای مساحت امضاء مدیران هر صنعت، عدد یک اختصاص داده که بیانگر مدیران خودشیفته و به دهک‌های دیگر عدد صفراختصاص داده می‌شود. برای کنترل خطای امضاء مدیران عامل از میانیگن امضاءهای موجود هر یک از آن‌ها استفاده گردیده است. لازم به ذکر است امضاء مدیران عامل از گزارشات واقع در سایت کدال، یعنی گزارش فعالیت هیئت‌مدیره و همچنین صورت‌های مالی شرکت‌های مورد مطالعه جمع‌آوری شده است.

۵-۳- متغیرهای کنترلی پژوهش

$Tenure_{i,t}$: برابر است با دوره تصدی مدیران عامل. دوره تصدی برای هر سال برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که از زمان تصدی آن به‌عنوان مدیرعامل می‌گذرد (مهام و بک محمدی، ۱۳۹۴، ۲۶).

$Age_{i,t}$: برابر است با سن مدیران عامل که از طریق لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که از عمر مدیران عامل می‌گذرد، محاسبه می‌شود (هام و همکاران، ۲۰۱۸، ۲۶۰). لازم به ذکر است، در این تحقیق سن مدیران عامل با همکاری سازمان‌های بورس اوراق بهادار تهران و ثبت‌احوال کشور استخراج و مورد استفاده قرار گرفته است.

www.SID.ir

Archive of SID

$Size_{i,t}$: برابر است با اندازه شرکت که از طریق لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶، ۹).

$BTM_{,t}$: برابر است با ارزش دفتری تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام عادی که هر دو در پایان سال محاسبه می‌شوند (هام و همکاران، ۲۰۱۸، ۲۶۰).

$Ins_{i,t}$: برابر است با درصد سهامداران نهادی که از نسبت سهام در دست سهامداران نهادی به کل سهام شرکت بدست می‌آید. طبق مصوبه سازمان بورس اوراق بهادار تهران، بانک‌ها، بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان سرمایه‌گذاران نهادیتلقی می‌شوند.

$Loss_{i,t-1}$: برابر است با زیان. یک متغیر ساختگی است که اگر در سال قبل زیان وجود داشت عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود (هام و همکاران، ۲۰۱۷، ۱۱۳۳).

$AuditQual_{i,t}$: برابر است با کیفیت حسابرسی. در این تحقیق اگر حسابرسی شرکت را سازمان حسابرسی بر عهده داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود (یعقوب نژاد و امیری، ۱۳۸۸، ۵۹).

$Overcon_{i,t}$: برابر است با اطمینان بیش از حد. در این پژوهش شاخص بیش‌اطمینانی مبتنی بر سرمایه‌گذاری اساس پژوهش شراند و زچمن[۳۹] (۲۰۱۲، ۳۲۳) استفاده می‌گردد. بدین منظور ابتدا الگوی رگرسیونی مدل رابطه ۳ به‌صورت مقطعی برآورد می‌شود و پس از آن در هر سال، باقی‌مانده محاسبه خواهد شد. چنانچه باقی‌مانده الگوی رگرسیونی مدل رابطه ۳ برای شرکتی بزرگتر از صفر باشد، بدین معناست که در آن شرکت بیش از حد سرمایه‌گذاری شده و لذا این شاخص برابر یک و در غیر این صورت، برابر صفر است.

$$Asset.Gr_{i.t} = \beta_0 + \beta_1 Sale.Gr_{i.t} + \varepsilon_{i.t} \qquad (۳)$$

که در آن:

$Asset.Gr_{i,t}$، رشد دارایی‌ها در سال t ۱- $(Asset_t / Asset_{t-1})$

$Sale.Gr_{i,t}$، رشد فروش در سال t۱- $(Sale_t / Sale_{t-1})$

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱-آمار توصیفی

در این تحقیق برای جمع‌آوری، خلاصه‌کردن، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی از آمار توصیفی استفاده می‌شود. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی برای متغیرهای تحقیق به‌منظور تحلیل

www.SID.ir

Archive of SID

توصیفی متغیرها قبل از آزمون فرضیه به کار گرفته می‌شوند. این اقدام به‌منظور ارائه دیدگاهی کلی نسبت به جامعه آماری و شناخت بیشتر آن صورت می‌گیرد. در جدول ۳ آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

جدول ۳- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شفافیت	۷۴۶	۰/۵۰۹	۰/۵	۰/۱۰۱	۰/۱۲۲	۰/۷۲۴
دوره تصدی	۷۷۰	۰/۳۳۷	۰/۳۰۱	۰/۲۷۲	۰	۱/۰۷۹
سن مدیر	۷۷۰	-۱/۷۱۴	-۱/۷۱۶	۰/۰۶۸	-۱/۸۸۶	-۱/۴۷۷
اندازه شرکت	۷۶۶	۶/۱۶۴	۶/۰۵۹	۰/۶۵	۴/۴۴۱	۸/۳۱۶
ارزش دفتری به بازار	۷۵۸	۰/۵۵۸	۰/۴۷۱	۰/۴۵۱	-۱/۸۶۱	۲/۴۱۷
سهامداران نهادی	۷۷۰	۰/۳۴۹	۰/۲۶۷	۰/۳۱	۰	۰/۹۹

متغیرهای موهومی	تعداد	فراوانی (درصد)
خودشیفتگی	۷۷۰	۱۶۲ (۰/۲۱)
زیان	۷۷۰	۸۶ (۰/۱۱)
کیفیت حسابرسی	۷۶۹	۱۹۹ (۰/۲۵)
اطمینان بیش از حد	۷۶۵	۳۳۱ (۰/۴۳)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

شفافیت گزارشگری مالی به مقدار ۱ این مفهوم را می‌رساند که شرکت‌های مورد مطالعه از تمام جنبه‌های شفافیت یعنی مقدار و کیفیت اطلاعات که مربوط به هر دو مجرای انتشار اطلاعات عمومی و خصوصی (محرمانه) شرکت بوده، بالاترین امتیاز شفافیت را دارا می‌باشند. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، حداکثر میزان شفافیت برای شرکت‌های نمونه ۰/۷۲۴ می‌باشد؛ که بیانگر این است هیچ یک از مشاهدات مربوط به شرکت‌های مورد بررسی، امتیاز کامل شفافیت گزارشگری مالی را کسب نکرده‌اند. علاوه بر این، حداقل میزان شفافیت گزارشگری مالی در ارتباط با مشاهدات (سال-شرکتی) به میزان ۰/۱۲۲ شده که نسبت به مقدار کامل شفافیت، عدد به نسبت پایینی است. نتایج جدول ۳ بیان می‌کند که میانگین شفافیت گزارش‌های مالی در شرکت‌های مورد مطالعه به میزان ۰/۵۰۹ می‌باشد. همچنین درصد فراوانی متغیر خودشیفتگی به میزان ۰/۲۱ نشان‌دهنده این است که ۲۱ درصد از مدیران عامل شرکت‌های مورد بررسی شخصیتی خودشیفته دارند. یافته‌های جدول ۳ در ارتباط با ویژگی‌های مدیران عامل نشان می‌دهد که میانگین دوره تصدی مدیران عامل ۰/۳۳۷ و میانگین سن مدیران عامل ۱/۷۱۴- بدست آمده است. درارتباط با دیگر ویژگی مدیران

www.SID.ir

Archive of SID

یعنی اطمینان بیش از حد، درصد فراوانی ۰/۴۳ نشان می‌دهد که ۴۳ درصد مدیران شرکت‌های بورسی دارای ویژگی شخصیتی بیش اطمینانی هستند. علاوه بر این، در ارتباط با ویژگی‌های شرکت، میانگین اندازه شرکت ۶/۱۶۴، میانگین ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ۰/۵۵۸ و همچنین میانگین درصد مالکیت سهامداران نهادی ۰/۳۴۹ بدست آمده است. درصد فراوانی زیان به مقدار ۰/۱۱ برای شرکت‌های مورد مطالعه بیانگر این است که ۱۱ درصد مشاهدات (سال-شرکتی) در طی دوره پژوهش در سال قبل زیان را تجربه کرده‌اند. در نهایت، درصد فراوانی کیفیت حسابرسی ۰/۲۵ برای شرکت‌های مورد بررسی به این معنا می‌باشد که ۲۵ درصد مشاهدات (سال-شرکتی) از سازمان حسابرسی برای رسیدگی به صورت‌های مالی خود بهره گرفته‌اند.

۶-۲- آمار استنباطی

در این تحقیق بر مبنای مدل رگرسیونی ۱، اثرات سال و صنعت کنترل شده و برازش مدل از نوع مقطعی خواهد بود؛ لذا نیازی به انجام آزمون‌های تشخیصی لیمر و هاسمن جهت تفکیک اثرات مشترک، ثابت و تصادفی نیست. قبل از برازش نهایی مدل تحقیق، ابتدا پیش‌فرض‌های کلاسیک رگرسیون مانند ناهمسانی واریانس اجزای خطا، خودهمبستگی مرتبه اول جملات اخلال و هم-خطی متغیرهای توضیحی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در صورتی که تعداد مقاطع از دوره زمانی بیشتر باشد، می‌توان انتظار داشت که اجزای اخلال دارای ناهمسانی واریانس باشند. در جدول ۴ نتایج مربوط به بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مرتبه اول جملات اخلال ارائه شده است.

جدول ۴- نتایج بررسی فروض کلاسیک رگرسیون خطی

پیش فرض	آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
ناهمسانی واریانس	بروش پاگان-آزمون کوک ویزبرگ	۱۱/۲۹	۰/۰۰۰۸	وجود مشکل ناهمسانی واریانس
خودهمبستگی	آزمون ولدریج	۰/۰۸۲	۰/۷۸۴۶	عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اوّل

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در این تحقیق بعد از کنترل اثرات سال و صنعت، برازش مدل رگرسیونی به روش خطاهای استاندارد مقاوم (پانل مقاوم) انجام گردیده که موجب رفع مشکل ناهمسانی واریانس اجزای خطا در بازه مورد بررسی می‌گردد. همچنین برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی از عامل تورم

www.SID.ir

Archive of SID

واریانس[۴۰] استفاده شده است. همچنان که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، کلیه عوامل تورم واریانس کمتر از ۵ شده است که بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی تحقیق می‌باشد. نتایج رگرسیون مدل مربوط به فرضیه پژوهش که در جدول ۵ قابل مشاهده است، نشان می‌دهد که مقدار و سطح معنی‌داری آماره F مدل به‌ترتیب ۱۱۲/۴ و ۰,۰۰۰ گردیده و بیانگر آن است که مدل تحقیق به‌خوبی برازش شده و از معنی‌داری مناسبی برخوردار می‌باشد. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۷۵۱۸ شده که بیانگر آن است،۷۵/۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شود. براساس نتایج جدول ۵، خودشیفتگی مدیران عامل، دارای ضریب ۰/۰۰۰۸- و سطح معنی‌داری ۰/۸۷۸ است؛ بنابراین همان‌طور که انتظار می‌رفت، بین این متغیر و شفافیت گزارشگری مالی ارتباط منفی مشاهده شد ولی این رابطه معنادار نگردیده است. در نتیجه فرضیه تحقیق که رابطه منفی بین این دو متغیر را پیش‌بینی می‌کرد، تأیید نمی‌شود. با توجه ضریب ۰,۰۱۱- و سطح معنی‌داری ۰/۰۱۸ برای دیگر ویژگی رفتاری مدیران یعنی متغیر اطمینان بیش از حد، می‌توان گفت که این متغیر بر شفافیت گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین براساس جدول ۵، بین متغیرهای کنترلی سن مدیران عامل، اندازه شرکت، ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، درصد مالکیت سهام سهامداران نهادی، کیفیت حسابرسی با شفافیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد؛ البته این رابطه مثبت در متغیرهای سن مدیران عامل و ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ضعیف می‌باشد. در نهایت، باید اشاره کرد که بین متغیرهای کنترلی دوره تصدی مدیران عامل و زیان سال قبل با متغیر شفافیت گزارشگری مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری مشاهده نگردیده است.

جدول ۵- نتایج تخمین نهایی مدل پژوهش به روش خطاهای استاندارد مقاوم

متغیرهای مدل	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری	تورم واریانس
خودشیفتگی	۰/۰۰۰۸-	۰/۰۰۵	۰/۱۵-	۰/۸۷۸	۱/۰۲
دوره تصدی	۰/۰۰۲-	۰/۰۰۸	۰/۲۷-	۰/۷۸۷	۱/۱۴
سن مدیر	۰/۰۵۳	۰/۰۳۱	۱/۶۹	۰/۰۹۴	۱/۱۱
اندازه شرکت	۰/۰۱۷	۰/۰۰۳	۵/۷۱	۰/۰۰۰	۱/۳۸
ارزش دفتری به بازار	۰/۰۰۹	۰/۰۰۵	۱/۸۵	۰/۰۶۶	۱/۲۱
سهامداران نهادی	۰/۲۵۹	۰/۰۰۸	۳۲/۴۳	۰/۰۰۰	۱/۳۳
زیان	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۹۷	۰/۳۳۳	۱/۲۲
کیفیت حسابرسی	۰/۰۱۲	۰/۰۰۳	۳/۴۴	۰/۰۰۱	۱/۲
اطمینان بیش از حد	۰/۰۱۱-	۰/۰۰۴	۲/۳۹-	۰/۰۱۸	۱/۱۷

www.SID.ir

Archive of SID

متغیرهای مدل	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری	تورم واریانس
ضریب ثابت مدل	۰/۳۹۸	۰/۰۵۶	۷/۰۰	۰/۰۰۰	-
اثر سال	کنترل شد				
اثر صنعت	کنترل شد				
ضریب تعیین	۰/۷۵۱۸				
آماره F مدل (سطح معناداری)	۱۱۲/۴ (۰/۰۰۰)				
مجذور میانگین مربعات خطا (RMSE)	۰/۰۵۰۷				
مشاهدات	۷۳۹				

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که در بخش مبانی نظری پژوهش بیان شد، افراد خودشیفته تمایل دارند مورد تحسین واقع‌شده و در مورد خود اغراق و بزرگ‌نمایی نمایند. همچنین افراد خودشیفته در هر شرایطی به دنبال برآوردن امیال شخصی خود هستند. با توجه به اینکه خودشیفتگی یک متغیر شخصیتی مرتبط با میل به موفقیت نامحدود و قدرت می‌باشد، جای تعجب نیست که بسیاری از افراد خودشیفته به‌دنبال موقعیت‌های مدیریتی برای ارضای نیاز خود به قدرت و شهرت می‌باشند و به‌منظور حفظ موقعیت رهبری، مهارت‌های خود را در فریب و تقلب و تهدید به‌کار می‌گیرند. در بیشترمواقع مدیران خودشیفته در پی دستیابی به دستاوردهای بزرگ در شرکت به انجام کارهای افراطی روی می‌آورند و اقداماتی که از دید مردم غیرممکن به نظر می‌رسد یااحتمال موفقیت آن نمی‌رود را به‌صورت خوش‌بینانه در نظر می‌گیرند. همچنین، مدیران با شخصیت خودشیفته به‌منظور جلب توجه دیگران و برای اینکه مورد تحسین واقع شده و به رسمیت شناخته شوند و از این طریق عزت و بزرگی را برای خود فراهم کنند، به انجام فعالیت‌های متقلبانه روی می‌آورند. مدیرانی که از چنین شخصیت و رفتاری برخوردار هستند، احتمال این‌که صورت‌های مالی تهیه‌شده توسط آن‌ها حاوی تحریف با اهمیت باشد زیاد است؛ این به معنای شفافیت پایین گزارش‌های مالی مدیران مزبور می‌باشد. در نتیجه بررسی فرضیه پژوهش، همان‌طور که انتظار می‌رفت بین خودشیفتگی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی ارتباط منفی مشاهده شد، ولی این رابطه معنادار نگردیده است. این نتیجه بیانگر این است که هر چقدر درجه خودشیفتگی مدیران عامل افزایش یابد، شفافیت گزارش‌های مالی کاهش نمی‌یابد. نتیجه این فرضیه با پژوهش هام و همکاران (۲۰۱۷) سازگاری داشته و با پژوهش‌های هام و همکاران (۲۰۱۸)، مارکز و همکاران (۲۰۱۸)، اوریلی و همکاران (۲۰۱۷)، جود و همکاران (۲۰۱۵)، اولسن و همکاران (۲۰۱۴)، خواجوی و

www.SID.ir

Archive of SID

همکاران (۱۳۹۷) وهمچنین خواجوی و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت ندارد. در راستای توجیه نتایج این پژوهش باید اشاره کرد، مالمندیر و ژنگ (۲۰۱۲) دریافتند که مدیران عامل و مدیران مالی تصمیم‌های مختلفی را در شرکت سرپرستی و نظارت می‌کنند. آن‌ها شواهدی را بدست آوردند که رفتار مدیران مالی بر تصمیم‌گیری‌های مالی تأثیرگذار است، درحالی‌که ویژگی‌های رفتاری مدیران عامل تصمیمات بودجه‌بندی سرمایه‌ای مانند سرمایه‌گذاری و تحصیل شرکت‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. همچنین هام و همکاران (۲۰۱۷) بیان می‌کنند که مدیران مالی در مقایسه با مدیران عامل بر تصمیم‌های گزارشگری مالی نظارت و کنترل دارند. از این رو، ویژگی‌های مدیران مالی تأثیر مهمی بر گزارشگری نادرست شرکت دارد. نتیجه بررسی این پژوهشگران نشان می‌دهد که اندازه امضاء مدیران مالی با مدیریت اقلام تعهدی مرتبط بوده، در صورتی‌که اندازه امضاء مدیران عامل همبستگی بالایی با مدیریت سود واقعی داشته است. یافته‌های حاصل از تحقیق آن‌ها این مفهوم را تقویت می‌کند که مدیران عامل بیشتر بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت تأثیرگذار می‌باشد. علاوه بر این، معمولاً مدیران عامل شرکت‌ها در راستای تصمیمات و دستورات هیئت‌مدیره انجام وظیفه نموده و اختیارات لازم و کافی جهت دستکاری صورت‌های مالی را ندارند. موارد ذکر شده فوق می‌تواند عدم تأثیرخودشیفتگی مدیران عامل بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را توجیه نماید.

در این پژوهش از شاخص معتبر و در دسترس اندازه امضاء برای اندازه‌گیری خصیصه رفتاری خودشیفتگی استفاده شده است. خودشیفتگی یک ویژگی روانشناسی است که اگر برای ارزیابی آن از پرسشنامه شخصیت خودشیفته استفاده می‌گردید، یافته‌های پژوهش از سطح اطمینان بالاتری برخوردار می‌شد. به‌علت عدم امکان دسترسی به مدیران عامل شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، استفاده از پرسشنامه برای اندازه‌گیری ویژگی شخصیتی خودشیفتگی فراهم نبوده است؛ لذا در استفاده از نتایج پژوهش باید این محدودیت را در نظر داشت. همچنین، صورت‌های مالی اسکن شده در قالب غیر از استاندارد A4 به‌علت این‌که امضاهای واقع در آن از اندازه واقعی خود خارج می‌شدند در نظر گرفته نشده‌اند. این موضوع باعث کمترشدن تعداد مشاهدات گردیده که البته سعی شد با افزایش دوره زمانی تحقیق تا حدودی این مشکل برطرف گردد. لذا باید توجه داشت نمونهٔ انتخابی پژوهش به‌طور ذاتی دارای مشکل سوگیری به سمت شرکت‌های حاضر در نمونه است. همان‌طور که اشاره شد، مدیران مالی نقش اساسی در تصمیم‌های گزارشگری مالی شرکت‌ها دارند.

www.SID.ir

Archive of SID

فهرست منابع

۱) خدادادی، ولی محمد حسین قلمبر و علی چراغی نیا، (۱۳۹۵)، "بررسی تأثیر سیاست تقسیم سود بر رابطه بین کیفیت سود و حق‌الزحمه حسابرسی"، دانش حسابداری مالی، ۳ (۱)، صص ۱۳۳-۱۱۱.

۲) خواجوی، شکراله و محسن رحمانی، (۱۳۹۷)، "بررسی اثر خودشیفتگی مدیران بر خطر سقوط قیمت سهام: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران"، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۱ (۳۷)، صص ۱۵-۱.

۳) خواجوی، شکرالله، علی اصغر دهقانی سعدی و فرزاد گرامی شیرازی، (۱۳۹۵)، "تأثیر خودشیفتگی مدیران بر مدیریت سود و عملکرد مالی"، پیشرفت‌های حسابداری، ۸(۲)، صص ۱۴۹-۱۲۳.

۴) شفیعی، حسن و مجیدصفاری نیا، (۱۳۹۰)، "خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان"، فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۲(۶)، صص ۱۴۷-۱۲۲.

۵) شیری، اردشیر، صبریه خلدشرفی، مهدی دهقانی و علی یاسینی، (۱۳۹۴)، "بررسی ارتباط بین خودشیفتگی مدیران و رفتارهای منافقانه با نقش میانجی رفتار ماکیاولی‌گری مدیران در سازمان‌های دولتی شهر کرمانشاه"، مدیریت سازمان‌های دولتی، ۳(۳)، صص ۱۰۷-۱۲۸.

۶) صمدی لرگانی، محمود و حامد آراد، (۱۳۹۱)، "نقش افشای داوطلبانه و شفافیت در گزارشگری مالی"، نشریه حسابرس، شماره ۵۸، صص ۱۱۱-۱۱۳.

۷) عرب مازار، علی اکبر، قدرت اله طالب نیا، حمید رضا وکیلی فرد و محمود صمدی لرگانی، (۱۳۹۰)، "تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۳ (۹)، صص ۳۷-۲۲.

۸) مهام، کیهان و صباح بک محمدی، (۱۳۹۴)، "رابطه مدیریت سود عملکرد جاری و عملکرد آتی با امنیت‌شغلی مدیرعامل"، پژوهش‌های حسابداری مالی وحسابرسی، ۸ (۲۹)، صص ۳۸-۱۹.

۹) میرزایی، راضیه و مهدی مرادزاده فرد و بهمن بنی مهد، (۱۳۹۶)، "اثر معیارهای نمایندگی بر توان رقابتی شرکت"، پژوهش‌های حسابداری مالی وحسابرسی، ۹ (۳۶)، صص ۲۶-۱.

۱۰) نمازی، محمد، علی‌اصغر دهقانی‌سعدی و سمانه قوهستانی، (۱۳۹۶)، "خودشیفتگی مدیران و استراتژی تجاری شرکت‌ها"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۶(۲۲)، صص ۵۲-۳۷.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۱) یعقوب نژاد، احمد و محمد امیری، (۱۳۸۸)، "بررسی عوامل موثر بر کیفیت گزارش‌های حسابرسی و تأثیر عوامل مذکور بر ضریب همبستگی تغییرات قیمت و تغییرات سود سهام"، پژوهش‌های حسابداری مالی وحسابرسی، ۱ (۱)، صص ۷۵-۵۳.

۱۲) یوسفی اصل، فرزانه، مهناز ملانظری و غلامرضا سلیمانی امیری، (۱۳۹۳)، "تبیین مدل شفافیت گزارشگری مالی"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲، صص ۱-۳۸.

13) Ames, D, R. Rose, P. Anderson, C, P. (2006), "The NPI-16 as a Short Measure of Narcissism", Journal of Research in Personality, 40, PP. 440–450.

14) Barth, M. E., and K. Schipper. (2008), "Financial Reporting Transparency", Journal of Accounting, Auditing, and Finance, 23, PP. 173-190.

15) Brown, A. D. (1997), "Narcissism, Identity, and Legitimacy", The Academy of Management Review, 22 (3), PP. 643-668.

16) Bushman, R and Piotroski, J and Smith, A (2004), "What Determines Corporate Transparency?", Journal of accounting Research. Vol. 42, No. 2, PP. 207-252.

17) Campbell,W. K., & Foster, J. D. (2007), "The Narcissistic Self: Background, an Extended Agency Model, and Ongoing Controversies", Frontiers in Social Psychology: The Self (PP. 115–138). New York, NY: Psychology Press.

18) Chatterjee, A, Hambrick, D, (2007), "Narcissistic Chief Executive Officers and their Effects on Company Strategy and Perfor-mance", Adminstrative Science Quarterly, 52, PP. 351-386.

19) Chen, S. (2010), "The Role of Ethical Leadership Versus Institutional Constraints: A Simulation Study of Financial Misreporting by CEOs", Journal of Business Ethics, 93(1), PP. 33-52.

20) DeBoskey, D. G., & Gillett, P. R. (2013), "The Impact of Multi-Dimensional Corporate Transparency on us Firms' Credit Ratings and Cost of Capital", Review of Quantitative Finance and Accounting, 40(1), PP. 101-134.

21) Gernon H, Meeks GK (1997), "Accounting an International Perspective", 5th edn. Irwin McGraw-Hill, Singapore.

22) Ham, C., Lang, M., Seybert, N., & Wang, S. (2017), "CFO Narcissism and Financial Reporting Quality", Journal of Accounting Research, 55(5), PP. 1089-1135

23) Ham, C., Seybert, N., & Wang, S. (2018), "Narcissism is a Bad Sign: CEO Signature Size, Investment, and Performance", Review of Accounting Studies, 23(1), PP. 234-264.

24) Jorgenson, D. O. (1977), "Signature Size and Dominance: A Brief Note", The Journal of Psychology, 97(2), PP. 269-270.

25) Judd, J. S., Olsen, K. J., & Stekelberg, J. (2017), "How Do Auditors Respond to CEO Narcissism? Evidence from External Audit Fees", Accounting Horizons, 31(4), PP. 33-52.

26) Kari Joseph Olsen and James Stekelberg (2016), "CEO Narcissism and Corporate Tax Sheltering", The Journal of the American Taxation Association, Vol. 38, No. 1, PP. 1-22.

www.SID.ir

Archive of SID

27) Kim, B., Lee, S., & Kang, K. H. (2018), "The Moderating Role of CEO Narcissism on the Relationship between Uncertainty Avoidance and CSR", Tourism Management, 67, PP. 203-213.
28) Lang, M. , M. Maffett. (2011), "Transparency and Liquidity Uncertainty in Crisis Periods", Journal of Accounting and Economics, 52, PP. 101–125.
29) Leuz, C., Nanda, D., & Wysocki, P. D. (2003), "Earnings Management and Investor Protection: an International Comparison", Journal of Financial Economics, 69(3), PP. 505-527.
30) Malmendier, U., & Zheng, H. (2012), "Managerial Duties and Managerial Biases", Working Paper, University of California at Berkeley.
31) Marquez-Illescas, G., Zebedee, A. A., & Zhou, L. (2018), "Hear Me Write: Does CEO Narcissism Affect Disclosure?", Journal of Business Ethics, PP. 1-17.
32) McHoskey, J. (1995), "Narcissism and Machiavellianism", Psychological Reports, 77, PP. 755–759.
33) Norberg, P. (2009), "I Don't Care that People Don't Like What I Do–Business Codes Viewed as Invisible or Visible Restrictions", Journal of Business Ethics, 86 (2), PP. 211-225.
34) Olsen, K. J., Dworkis, K. K., & Young, S. M. (2014), "CEO Narcissism and Accounting: A Picture of Profits", Journal of Management Accounting Research, 26 (2), PP. 243-267.
35) Olsen, K. J., & Stekelberg, J. (2016), "CEO Narcissism and Corporate Tax Sheltering", The Journal of the American Taxation Association, 38(1), PP. 1-22.
36) O'Reilly III, C. A., Doerr, B., & Chatman, J. A. (2017), "See You in Court: How CEO Narcissism Increases Firms' Vulnerability to Lawsuits", The Leadership Quarterly.
37) Rijsenbilt, A., & Commandeur, H. (2013), "Narcissus Enters the Courtroom: CEO Narcissism and Fraud", Journal of Business Ethics, 117 (2), PP. 413-429.
38) Rosario, P, M. White, R, M. (2005), "The Narcissistic Personality Inventory: Test-Reteststability and Internal Consistency", Personality and Individual Differences, 39, (10), PP. 1075-1081.
39) Rosenthal, S. A. & Pittinsky, T. L. (2006), "Narcissistic Leadership", The Leadership Quarterly, 17, PP. 617-633.
40) Scherand,C.M. & Zechman, S.L. (2012), "Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting", Journal of Accounting and Economics, 53(1-2), PP. 311–329.
41) Sengupta, P. (1998), "Corporate Disclosure Quality and Cost of Debt", The Accounting Review 73 (4), PP. 459–474.
42) Zweigenhaft, R. L. (1977), "The Empirical Study of Signature Size", Social Behavior and Personality, 5, PP. 177-185.
43) Zyglidopoulos, S. C., Fleming, P. J., & Rothenberg, S. (2009), "Rationalization, Overcompensation and the Escalation of Corruption in Organizations", Journal of Business Ethics, 84 (1), PP. 65-73.
44) Zweigenhaft, R. L., & Marlowe, D. (1973), "Signature Size: Studies in Expressive Movement", Journal of Consulting and Clinical Psychology, 40(3), PP. 469-473.

www.SID.ir

Archive of SID

یادداشت‌ها

[1]. Ameset al
[2].Rosario & White
[3] . Lang & Maffett
[4] . Bushman et al
[5] . Financial Reporting Transparency
[6] . Barth & Schipper
[7] . Sengupta
[8] . Gernon & Meeks
[9] . DeBoskey & Gillett
[10] . Leuz et al
[11] . Narcissim
[12]. Campbell & Foster
[13]. Freud
[14]. Brown
[15]. Rijsenbilt&Commandeur
[16]. McHoskey
[17]. Chen
[18]. Chatterjee& Hambrick
[19] . Rosenthal&Pittinsky
[20]. Olsen&Stekelberg
[21]. Norberg
[22] . Zyglidopoulos et al
[23]. Marquez et al
[24]. Ham et al
[25]. Kim et al
[26]. Judd et al
[27]. O'Reilly et al
[28] . Kari & James
[29]. Olsen et al
[30]. Robust Standard Errors
[31]. www.codal.ir
[32] . www.tsetmc.com
[33] . Stata
[34] . Analytical Hierarchy Process (AHP)
[35] . Zweigenhaft & Marlowe
[36] . Jorgenson
[37] . Zweigenhaft
[38] . Narcissistic Personality Inventory-40
[39] . Scherand & Zechman
[40]. Variance Inflation Factor (VIF)

www.SID.ir